

# آینده تقاضای انرژی در ایران، ضرورت بکارگیری راهکارهای جدید



در پنجمین کنگره ملی انرژی و اقتصاد که در خرداد ماه سال جاری توسط انجمن نفت ایران برگزار شد، حمداله محمدنژاد معاون وزیر و رئیس هیئت مدیره شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور طی سخنرانی با نگاه به آینده تقاضای مصرف انرژی در جهان، راهکارهای بهینه‌سازی مصرف و کنترل شدت انرژی را در ایران مورد بحث و بررسی قرار داد که گزیده‌ای از آن در ادامه به نظر خوانندگان محترم می‌رسد:

## پنجمین کنگره ملی انرژی و اقتصاد

۲۱-۲۲ خردادماه ۱۳۸۹

### سهم تولید $CO_2$ در سال ۲۰۰۷

متأسفانه در کشور ما مصرف بی‌رویه سوخت باعث شده که رتبه ما از ۱۳ به ۱۰ تغییر یابد که این هشدار و زنگ خطری است برای ما که پس از این باید به مصرف بهینه سوخت توجه خاص داشته باشیم.

### راهکارهای پیشنهاد شده در اجلاس کپنهاک

در کنفرانس کپنهاک مجموعه کشورهای توسعه یافته مدلی را ارائه دادند که بر اساس آن تا ۲۰ سال آینده باید میزان انتشار گازهای کربن در جهان کاهش یابد که ۵۴ درصد از این کاهش باید با استفاده از روش‌های بهینه‌سازی از جمله افزایش راندمان انرژی و کاهش مصرف و مابقی آن به وسیله استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر محقق شود. در این اجلاس سه سناریو ارائه شد و تمام کارشناسان معتقد بودند اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، جهان با بحران روبه‌رو خواهد شد.

دو سناریو در اینجا پیش‌بینی شد، یکی ۴۵۰ و دیگری ۵۵۰، آنها قصد و بنا را بر این گذاشتند که اگر بتوانند دمای متوسط کره زمین را تا ۲ درجه سانتی‌گراد کنترل کنند، آنگاه سناریو ۴۵۰ قابلیت اجرا خواهد داشت. برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به ۲۷۰۰ میلیارد دلار و از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰ به ۹۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است.

البته به نظر من سرمایه‌گذاری تنها هم کفایت نمی‌کند بلکه اراده تمام کشورهای تولیدکننده گاز  $CO_2$  لازم است و در واقع یک اراده جمعی می‌خواهد که همه باید همکاری کنند، چون اگر این کار انجام نگردد هیچ فرقی نمی‌کند که مثلاً در پکن یک کارخانه، گاز گلخانه‌ای تولید کند یا فرضاً در برزیل جنگلی دچار حادثه شود که مسلماً همه آنها بر افزایش مشکلات جهانی بی‌تأثیر نیست. بنابراین اراده جمعی برای کنترل گازهای گلخانه‌ای یکی از واجبات است به طور مثال هم‌اکنون هنوز آمریکا به هیچ وجه حاضر به امضاء قرارداد کیتو نشده است و کشورهای

در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی شده که تا سال ۲۰۳۰، نیاز جهان به مصرف انرژی ۴۵ درصد رشد و متوسط رشد سالیانه آن ۱/۸ خواهد بود. همچنین سهم سوخت‌های فسیلی در سبد کنونی انرژی جهان متأسفانه جمعا در حدود ۸۶ درصد است. یعنی عمده مصرف سوخت در جهان فعلاً از سوخت‌های فسیلی است، اگرچه در حدود ۶ درصد از سوخت هسته و در حدود ۸ درصد نیز از انرژی‌های تجدیدپذیر نیز به عنوان مصرف می‌شود. اما این میزان نسبت به ۸۶ درصد بسیار نگران‌کننده است. افزایش تقاضا برای مصرف سوخت‌های فسیلی بی‌تردید جهان را با یک بحران جدید مواجه خواهد کرد که ما در اینجا به چند مورد از تبعات آن اشاره می‌کنیم:

- افزایش گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زمین
- تخریب لایه ازن
- بیابان‌زایی و تخریب جنگل‌ها
- تغییرات آب و هوایی
- تهدید جدی سلامت و بهداشت انسان‌ها

در سال ۲۰۰۸ آژانس بین‌المللی انرژی در مهمترین گزارش خود که در شهر بُن آلمان منتشر شد، برای نخستین بار درخصوص فاجعه ادامه روند مصرف انرژی صریحاً اعلام کرد که اگر روش فعلی ادامه پیدا کند؛ پیش‌بینی می‌شود که متوسط دمای کره زمین تا سال ۲۱۰۰ به میزان ۵/۸ سانتی‌گراد افزایش یابد که در این صورت ما شاهد نابودی سومین سیاره منظومه شمسی یعنی کره زمین خواهیم بود.

در طول ۱۴۰ سال گذشته متوسط دمای کره زمین فقط ۰/۹ درجه سانتی‌گراد افزایش پیدا کرده است. این در حالی است که در دوره زمانی یعنی از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۲ فقط متوسط دمای زمین ۰/۴ گرم شده است.

اگر بخواهیم کشورمان را با متوسط مصرف اروپا مقایسه کنیم، ما به ازای هر متر مربع حدود ۳۱۰ کیلو وات ساعت مصرف داریم در صورتی که اروپا متوسط مصرفش ۱۲۰ کیلو وات ساعت می‌باشد. ما در برنامه داریم که اگر مبحث ۱۹ و راهکارهایی که برای آن تبیین شده توسط قانون حمایت شود. امیدواریم در پایان برنامه مصرف را از ۳۱۰ کیلو وات ساعت به ۱۶۰ کیلو وات ساعت کاهش دهیم، مهمترین بحث ما در این بخش مربوط به مبحث ۱۹ می‌باشد.

### حال چه باید کرد و چالش‌ها و راهکارهای ما چیست؟

در این زمینه ما سه راهکار را می‌توانیم ارائه کنیم در مورد لوازم خانگی و انرژی‌بر، فرض بر این است که سطح استانداردها عملی شود. یعنی اگر ما دارای آزمایشگاهی باشیم که این لوازم در آنجا مورد آزمایش، تست و کنترل قرار گیرند و برچسب بخورند، ما امیدواریم تا پایان برنامه پنج ساله پنجم حدود ۱۰ درصد بتوانیم آن را کاهش دهیم. اگر این ۱۰ درصد باشد تا پایان چشم‌انداز پیش‌بینی ما این است که ۱۵ درصد قابل صرفه‌جویی می‌باشد. در بخش خود ساختمان کاهش تلفات از طریق احیای مبحث ۱۹ و بهینه‌سازی مصالح و معماری ساختمان که در این خصوص سه فاکتور داریم که در این مورد نیز پیش‌بینی این است که ۵ درصد تا پایان برنامه پنجم و ۱۰ درصد تا چشم‌انداز کاهش پیدا کند.

راهکار بعدی ما استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است که در حقیقت یک درصد پیش‌بینی کرده‌ایم، سعی ما این است که تا پایان برنامه پنجم آن را به میزان یک درصد ترویج دهیم.

در شرایط کنونی در شهرهای کشور ما حدود ۱۱ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد مسکونی وجود دارد. اگر مساحت آنها را به‌طور متوسط ۱۰۰ مترمربع فرض کنیم، ۱/۲ میلیارد مترمربع ما فضای مسکونی شهری داریم که در حال حاضر مصرف به ازای هر مترمربع ۳۱۰ کیلووات ساعت است که اگر مطابق برنامه پنجم به ۱۵۱ کیلووات ساعت برسد، آنگاه صرفه‌جویی ما در بخش گاز چیزی در حدود ۱۸/۵ میلیارد مترمکعب می‌باشد.

همان‌طور که می‌دانید هر فاز پارس جنوبی در سال حدود ۹ میلیارد مترمکعب گاز تولید می‌کند. ورودی گازترش هر فاز به پالایشگاه ۲۸ میلیون مترمکعب است که بعد از شیرین‌سازی برای تزریق به خط لوله تبدیل به ۲۵ میلیون مترمکعب می‌شود.

بی‌تردید در ساختمان‌های موجود با اجرای مبحث ۱۹ که زیرساخت‌های آن هم فراهم شده است در مصرف انرژی می‌توان صرفه‌جویی کرد. در حال حاضر کارخانه‌های داخلی شیشه، پنجره‌های دوجداره، شیرآلات با کمک شرکت بهینه‌سازی تولید می‌کنند. اگر با یک برنامه منظم پنج ساله ما بهینه‌سازی را انجام دهیم می‌توانیم یک پنجم صرفه‌جویی در مصرف انرژی داشته باشیم این امر علاوه بر اینکه رفاه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت، درآمد خانوارها را هم بالا می‌برد.

انرژی‌های نو، از جمله می‌توان به انرژی خورشیدی اشاره کرد. در کشور ما ۱۰۰ روز وجود دارد که این خود زمینه خوبی برای استفاده از این انرژی می‌باشد. اگر ما بخواهیم خود را به سه کشور چین، آلمان و ترکیه که در این امر پیش‌رو هستند مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که به‌طور مثال چینی‌ها در استفاده از انرژی‌های نو تحول به وجود آورده‌اند. براساس برنامه‌ریزی آنها قرار است در طول برنامه ۵ سال بعدی، آنها ۲۵ میلیارد دلار برای استفاده از انرژی‌های نو هزینه کنند. در مورد استفاده از انرژی باد، چینی‌ها در تولید انرژی برق از باد نیز شاهکار کردند.

در حال حاضر از هر ۱۰ خانوار چینی یک خانه از انرژی خورشیدی استفاده می‌کنند. براساس آمار ظرف دو سال گذشته در ۴۰ میلیون خانه سیستم خورشیدی نصب شده و از آن استفاده می‌شود. ما هم می‌توانیم از انرژی خورشیدی استفاده کنیم. البته زیرساخت‌های آن هم آماده شده است. همسایه ما ترکیه هم از انرژی خورشیدی استفاده بسیار زیادی می‌برد، آنها بیش از ۸۲ برابر ما از انرژی خورشیدی استفاده می‌کنند. اخیراً شرکت بهینه‌سازی امکاناتی را فراهم کرده که ۵۲ ساختمان شرکت نفت را متمایز کرده‌ایم که کارهای بهینه‌سازی آن را انجام دهیم، یکی از موارد، نصب سیستم خورشیدی است. به هر حال باید آن را توسعه

دیگر نیز از او دنباله‌روی می‌کنند از جمله چین و هند که از تولیدکنندگان بزرگ گازهای گلخانه‌ای هستند.

### نگاهی به آمار و وضعیت مصرف انرژی در کشور و مقایسه آن با کشورهای دیگر

براساس آمار ارائه شده، نسبت سهم کل مصرف نفت خام در انتهای سال ۲۰۰۸، سهم جمهوری اسلامی ایران ۲/۱ و در مورد گازهای طبیعی ۳/۹ است. علی‌رغم این مصرف متأسفانه GDP ما ۰/۳۸ از کل تولید ناخالص جهانی می‌باشد. در حقیقت حالت تعادل بین مصرف و درآمد سرانه ما وجود ندارد، یعنی ما بیشتر انرژی مصرف می‌کنیم، اما به نسبت آن GDP کمی بدست می‌آوریم.

با توجه به اینکه قرار است براساس برنامه مصوب در منطقه از نظر شرایط فناوری ملی شرایط ویژه داشته باشیم. لذا بد نیست خود را با سایر کشورها مقایسه کنیم. البته لازم نیست خود را با کشورهای فرانسه و انگلیس مقایسه کنیم. اما حداقل می‌توانیم خود را با کشور ترکیه مقایسه کنیم. میانگین جمعیت کشور ما ۷۱ میلیون نفر و ترکیه ۷۴ میلیون نفر است، تولید ناخالص داخلی ما ۱۵۲ و ترکیه ۳۷۲ مصرف انرژی ما ۱۸۵ میلیون تن معادل نفت خام و ترکیه ۱۰۰ میلیون تن معادل نفت خام است، یعنی به عبارتی مصرف سرانه ما ۲/۶ تن معادل نفت خام به ازای هر نفر می‌باشد در حالی که این میزان در مورد ترکیه ۱/۳۵ می‌باشد. بدین ترتیب تقریباً ما دو برابر ترکیه انرژی مصرف می‌کنیم. بدیهی است که این مقایسه‌ها باید مورد توجه قرار گیرند. مقایسه دیگر درخصوص متوسط جهانی شدت مصرف انرژی است که ۱۹۰ تن معادل نفت خام به ازای میلیون دلار می‌باشد. این مورد در کشور ما معادل ۸۸۵/۳ میلیون تن معادل نفت خام به ازای میلیون دلار است، یعنی شدت مصرف انرژی در ایران ۴ برابر متوسط جهان است و متأسفانه وقتی خودمان را حتی با چین ۱/۳ میلیاردی مقایسه می‌کنیم واقعاً جای تعجب دارد. خیلی‌ها ممکن است این اعداد و ارقام را نپذیرد و بگویند مگر می‌شود ما با ۷۱ میلیون جمعیت دو برابر چین و ۱۹ برابر ژاپن مصرف انرژی داشته باشیم. به هر حال ادامه روند فعلی مصرف در کشور ما (با نرخ رشد ۵/۵ درصد) باعث خواهد شد که تا سال ۱۴۰۳ مصرف داخل از کل عرضه انرژی کشور فراتر رفته و هیچ‌گونه امکان صادرات نیز وجود نداشته باشد. لذا نه تنها به اهداف مصوب در سند چشم‌انداز نخواهیم رسید، بلکه تبدیل به یکی از واردکنندگان اصلی حامل‌های انرژی در جهان خواهیم شد.

### سهم نهایی مصرف انرژی کشور

در سال ۸۷ از نظر ارزشی حدود ۸۲/۵ میلیارد دلار انرژی مصرف کرده‌ایم. در بخش داخلی یارانه‌ای که پرداخت شده و به جزء نیروگاه‌ها ۶۰ میلیارد دلار بوده است. با این وضع چگونه می‌توانیم سرمایه‌گذاری کنیم و در بخش نفت و نیرو، کار بهینه‌سازی را انجام دهیم، طبیعتاً این کار عملی نیست. مگر اینکه هدفمند کردن یارانه‌ها با عنایت مجلس و دولت به صورتی انجام شود که بتوانیم از این بحران خارج شویم.

### جریان انرژی در سال ۸۷

از ۲۹۱۶ میلیون بشکه معادل نفت خام که در صادرات و در تلفات بالادستی کم کنیم، چیزی که برای عرضه انرژی اولیه باقی می‌ماند چیزی در حدود ۱۸۳۴ میلیون بشکه معادل نفت خام است و نهایتاً اگر مصارف و تلفات نفت و نیرو را از آن کم کنیم، چیزی که باقی می‌ماند ۱۱۸۷ میلیون بشکه معادل نفت خام است. اما بیشترین مصرف در بخش خانگی است با ۴/۷ بشکه معادل نفت خام و بعد از آن در حمل و نقل با ۲۷۴ و در صنعت ۲۳۶ که ملاحظه می‌کنید، اگر بخش صنعت را با بخش خانگی مقایسه کنیم این نگرانی به وجود می‌آید که چرا صنایع ما چنین وضعیتی را دارند و چرا عمده بار مصرفی ما و به طور کلی انرژی در بخش خانگی مصرف می‌شود. در بخش خانگی، تقریباً می‌توانیم بگوییم که متوسط مصرف بخش ساختمانی و مسکن ما ۲/۵ تا ۴ برابر متوسط جهانی است.

در بخش خانگی، یک بخش ساخت و سازهای خود ساختمان می‌باشد و بخش دیگر لوازم خانگی انرژی‌بر است که مصرف آن حدود ۱/۵ تا ۲ برابر مصرف جهان است. بیشترین مصرف انرژی ما هم در بخش ساختمان است.

دهیم و حیف است که از این انرژی پاک و خدادادی استفاده نکنیم. چالش‌هایی که در بخش ساختمان وجود دارد به اختصار عبارتند از:

- پایین بودن قیمت انرژی
- تولید و عرضه محصولات ساختمان غیراستاندارد
- ساخت و ساز، ساختمان به شکل سنتی
- عدم نظارت قانونمند بر اجرای صحیح و اصولی مبحث ۱۹
- استفاده از لوازم خانگی با راندمان پایین

اینها بزرگترین چالش‌هایی هستند که ما در بخش ساختمان با آن مواجه هستیم. در مبحث ۱۹ نظام مهندسی درمورد کنترل کیفیت و اجرای آیین‌نامه‌های آن می‌تواند نقش نظارتی داشته باشد، همچنین وزارت مسکن و شهرسازی طبیعتاً در این خصوص مسئولیت دارد و از طرف دیگر چون شهرداری در ابتدا صدور پروانه ساختمان را بر عهده دارد و در خاتمه هم پایان کار را می‌دهد در واقع در اینجا یک مربع وجود دارد که اگر چهارضلع مربع را با هم هماهنگ کنیم می‌توانیم مصرف انرژی را بهینه کنیم، البته باید این کار الزامی و اجرائی شود، بدین منظور تدابیری لازم است. اگر مبحث ۱۹ در ساختمان در حال احداث و حتی ساختمان‌های دولتی اجراء شود (که این امر در مورد دوم هم حتی رعایت نمی‌شود) اما اخیراً کمیسیون زیربنایی دولت رعایت این امر را تصویب کرد.

به هر حال مصوبه هیئت وزیران دستگاه‌ها را ملزم کرد که در تمام ساختمان‌های دولتی که در دست اجراء و یا در آینده اجراء می‌شوند، اجرای مبحث ۱۹ الزامی است. در بخش خصوصی نیز مسئله تأمین اعتبارات مطرح می‌باشد. امیدواریم در طرح اصلاح الگوی مصرف که در حال حاضر در مجلس مطرح است این مورد به طور جدی و دقیق تکلیف شود و ما شاهد اجرای مبحث ۱۹ باشیم. با رعایت مبحث ۱۹ مقرارت ملی ساختمان در ساخت و سازهای جدید و ساختمان‌های موجود ۱۶۳ میلیون بشکه معادل نفت خام به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار در مصرف انرژی این بخش صرفه‌جویی می‌شود.

در دو دهه آینده با توجه به اینکه ترکیب جمعیت فعلی ما جوان است، پیش‌بینی می‌شود براساس آمارهایی که داده شده حدود ۱۷ میلیون خانوار تا چشم‌انداز به مجموع خانوارهای کشور اضافه خواهند شد که طبیعتاً نیاز به خانه، ماشین و لوازم خانگی دارند که همه اینها انرژی‌بر است، اگر در این مورد فکر نکنیم و روند ما همین روند فعلی باشد، طبیعتاً با بحران مواجه خواهیم شد و حتی برای رسیدن به چشم‌انداز هم دچار مخاطره خواهیم شد.

هدم‌کردن یارانه‌ها انشاءالله اجراء خواهد شد. الزامی کردن مبحث ۱۹ و کاهش تلفات انرژی ساختمان هم از روش‌هایی که گفته شد باید انجام شود. قانون هدم‌کردن استانداردهای برچسب انرژی را هم مجلس باید دقیقاً مورد تأکید و تأیید قرار داد و قانونمند کرد و سرانجام باید فرهنگ‌سازی کرد تا قانون هم به شکل صحیح اجراء شود.

در بخش حمل و نقل در سال ۸۷ تقریباً ۷۴ میلیون بشکه معادل نفت خام ما در کشور انرژی مصرف کرده‌ایم، یعنی از آن یارانه ۶۰ میلیارد دلاری، ۲۰ میلیارد دلار فقط در بخش حمل و نقل هزینه شده است. چون همان‌طور که می‌دانید عمده مصرف در بخش حمل و نقل ما بنزین است با توجه به قیمتی که بنزین دارد طبیعتاً از نظر ارزشی مبلغ یارانه را بالا می‌برد.

بحث دیگری که در بخش حمل و نقل داریم شرایط ناوگان است. متأسفانه ناوگان ما در کشور فرسوده است و تقریباً حدود ۱۰ میلیون در سال ناوگان خودروهای سبک ما است. از این مقدار ۸/۵ میلیون خودروهای سواری است. ۱/۶ میلیون وانت است و ۱۹ درصد ناوگان ما فرسوده است این ۱۹ درصد عمر بالای ۲۰ سال دارند و در نتیجه اتفاقی که افتاده است ۳۵ درصد مصرف کل ناوگان را همین ۱۹ درصد مصرف می‌کنند. بیش از ۵۰ درصد آلاینده‌گی کلان شهرها هم توسط همین ۱۹ درصد است. در حال حاضر تولید خودروی ما در سال حدود یک میلیون و ۱۵۰ هزار دستگاه می‌باشد با یک طرح پنج ساله می‌توانیم تمام خودروهای فرسوده سبک و سنگین را خارج کنیم. حتی اگر ما یک موتور از خارج وارد کنیم، و روی خودرویی بگذاریم و به صاحب خودرو تحویل دهیم ظرف یک سال و نیم تا دو سال پول آن برمی‌گردد.

## نحوه تأمین بودجه واردات سوخت توسط دولت

جزئیات آئین‌نامه اجرایی بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور که به رابطه مالی شرکت ملی نفت و دولت مربوط می‌شود منتشر شد. در این آئین‌نامه نحوه تأمین بودجه واردات بنزین و گازوئیل مشخص شده است.

هیئت وزیران بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور، با آئین‌نامه اجرایی این بند موافقت کرد.

جزئیات آئین‌نامه اجرایی بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور به شرح ذیل است:

ماده ۱- شرکت ملی نفت ایران موظف است در دفاتر قانونی خود، هر ماه پس از محاسبه ارزش نفت تولیدی (نفت خام و میعانات گازی) از کلیه میدان‌های نفتی و گازی کشور به ترتیب برای میدان‌های مشترک با کشورهای همسایه معادل ۷۵ درصد و برای سایر میدان‌ها معادل ۸۶ درصد به عنوان ارقام موضوع جزء «الف» بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور و همچنین ۶۴ درصد ارزش گاز خام تولیدی تحویلی به شرکت ملی گاز ایران و ۸۹ درصد ارزش مابقی گاز تولیدی موضوع جزء «ب» بند (۴) را به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و به ترتیب، حساب‌های بهای تمام شده نفت و گاز طبیعی را بدهکار کند.

تبصره ۱- سهم شرکت ملی نفت ایران از ارزش نفت تولیدی (نفت خام و میعانات گازی) پس از کسر هزینه‌ها، از مالیات و سود سهام دولت معاف است.

تبصره ۲- در مورد گازهای سوزانده شده معادل ۲۷/۷ درصد ارزش آن ۳۰ درصد از ۸۹ درصد به عنوان سهم دولت به بستانکار حساب دولت منظور می‌گردد.

تبصره ۳- معادل ۱۱ درصد ارزش گاز تزریقی تولیدی که به میادین نفتی تزریق می‌شود به عنوان سهم شرکت ملی نفت ایران به حساب بدهکار دولت منظور می‌شود.

ماده ۲- شرکت ملی نفت ایران موظف است کلیه دریافت‌های حاصل از صادرات نفت خام را به هر صورت پس از کسر پرداخت‌های بیع متقابل نفتی به ترتیب مقرر در قرارداد موضوع بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور به حساب‌های معرفی شده از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از طرف خزانه‌داری کل کشور واریز و حساب دولت (خزانه‌داری کل کشور) را در دفاتر قانونی خود معادل حاصل ضرب ارز واریزی در نرخ تسعیر ارز اعلامی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در روز واریز، بدهکار کند.

ماده ۳- شرکت ملی نفت ایران مکلف است تمامی وجوه مازاد بر درآمدهای نفت تولیدی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور (مازاد بر ۶۵ دلار در هر بشکه) را به حساب خزانه‌داری کل کشور نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز نماید.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی (معادل ۲۰ درصد از صادرات نفت خام و میعانات گازی) و واریز سهم شرکت ملی نفت ایران به حساب متمرکز وجوه شرکت مذکور، با اعلام خزانه‌داری کل مابقی را به حساب ذخیره ارزی واریز کند.

سهم شرکت ملی نفت ایران از این محل صرفاً جهت طرح‌های سرمایه‌گذاری توسعه میادین نفتی یا حفظ ظرفیت آنها و توسعه میادین گازی مشترک استفاده می‌شود.